

Dari transcript:

ازدواج با عشق

شهرزاد: ایطور روابط به ازدواج هم می انجامن گاهی، خودت نمونه هایشه دیدی؟
زبیده: ها، ها، ها. به ازدواج می انجامه منتهی اکثرا موفق نیست، به خاطری یک تصمیم احساساتی است نی؟ یک آدم.. و از روی چیز است، شدیداً نیازمند بودن به یک رابطه است. ازدواج وقتی میتوانه موفقانه باشه که یک آدم با، یک خانم یا یک مرد با چندین خانم رابطه داشته باشه، نی؟ تجربیات مختلف داشته باشه با خانم های مختلف و آشنایی داشته باشه. اما در افغانستان، زیادش آدم فقط یک گزینه داره، یک آدمه خوش می کنی، باز اموره می گیری در آخرش.. در حالیکه او کافی نیست بری ازی که آدم تعیین کنه که همراهی کی میخوایه زندگی کنه در آینده خود و تمام عمر خوده. مه فکر می کنم باید، روابط باید بسیار وسیع تر باشه و جدا.. و تنها یک رابطه آدم با یک مرد نداشته باشه. روابط مختلف، مسلماً روابط عاطفی نه، منتهای روابط آزاد باشه و آشنایی ها بیشتر باشه.

شهرزاد: ولی در مورد چیز، چی می گویی، بسیار از ازدواج های سنتی که بسیار موفقانه تر از ازدواج هایی است که بر اساس رابطه ایجاد شده. یعنی او آدم ها هم یک گزینه بیشتر نداشتند، او آدم ها هم خیلی ها را نمی شناختند. ولی از زندگی خود راضی هستند. در یک ازدواج سنتی.
زبیده: راضی به ای خاطر هستن که اونا توقعات بالا ندارن از همدیگه. وقتی یک آدم که توقعش همیشه که پدر و مادرش یک مرده برش پیدا کنه، باز ازدواج کنن، به احتمال قوی او خانم توقع نداره بره بیرون کار کنه، به احتمال قوی او خانم توقع نداره که جایگاه داشته، فعال باشه در اجتماع، یک جایگاهی داشته باشه در اجتماع و توقع آزادی بیش از حد نداره. یک کسی است که از او خواسته شده باشه. د خانه میشینه، بری شوهر خود لباس هایشه اطو می کنه. نان تیار می کنه. کودک به دنیا می آره. اوره نگاه می کنه.
و ای دقیقاً کاری است که از او توقع میره. و آمادگی از همی ره هم داره، به او خاطر هیچ مشکلی بین ازی زن و شوهر به وجود نمی آره، به خاطری نقش هر دویش تعیین شده است، در زندگی شان.

شهرزاد: به نظر تو آیا الگوهای موفق چیز، با کمبود الگوهای موفق از زندگی دو انسان روشنفکر که هر دویشان میخوانن انسان باشن، زن و مرد، نی؟ کمبود ازی یک مشکل جدی نیست بری دخترای جوانی که مثلاً مثل خودت می رن درس میخوانن. میخوانن در جامعه یک جای داشته باشن. و بعد میخوانن تشکیل خانواده بتن، ولی هیچ کس نیست که به شوهر خود یا رفیق راه خود، بگوین که ببی زندگی اوناره، ما هم میتوانیم اونطور زندگی کنیم. یعنی یک جنجال نیست به نظرت؟

زبیده: ای به ای خاطر است که.. اگر مه مثلاً به آینده خود بخوایم فکر کنم، مه هیچ وقت ممکن نیست بتانم با یک مرد بیایم در افغانستان ازدواج کنم و همراهی ازی بتوانم زندگی کنم و بتوانم الگو باشم. به چند دلیل: به خاطر ازی که اگر مه بخوایم ازدواج کنم، باید یک مرد باشه که نزدیک و همسن و سال، به سن و سال مه نزدیک باشه، نی؟ مثلاً با سه سال، چهار سال تفاوت سنی. اما

کسای که همسن و سال خود مه در اطراف خود میبینم، او آدم های نیستند که دقیقا مه بخوایم همایشان یک روز زندگی کنم، نی؟ به خاطر، هیچ وقت، هیچ وقت کلان نشدند. و اونا در یک دنیای دیگه بزرگ می شن و من در یک دنیای دیگه بزرگ می شم. و اگر که تفاوت سن و ساله آدم در نظر نگیره، بدتر میشه. به خاطر ازی که کسای که حتی اگه ادعا می کنن، روشنفکر هستن، آزاد هستن، و بیشتر از دیگران می فهمن، اونا هم در نهایتش یک آدم های عقده ای هستن که.. دیگه شه نمی خوایم بگویم که.. که مثلا بیست و پنج ساله، سی ساله شدن و تا هنوز هیچ رابطه با یک خانم نداشتن.. یک آشنایی نداشتن، و تمام دلیلشان بری ازدواج رابطه جنسی است و مه نمیتوانم دقیقا

شهرزاد: و خطر ازی وجود داره که چون سن تو خوردتر است بخواین، تو ره کنترل هم کنن، نی، چون اونا فکر می کنن که با تجربه تر و دنیادیده تر و جهان دیده تر و غیره هستن، دقیقا. ها. ها، یکی از دلایل میتوانه بوده باشه. و شاید یک دلیل دیگه هم ای باشه که بسیار سخت است بری یک خانمی که خوده دیگه رقم می بینه، خوده در نقش یک زن سنتی ره بازی کنه، یا نی ای که بگذاره که تصمیم گیری ای که چی زمانی اولاد دار شوه، ره بگذاره به شوهر خود. تصمیم گیری ازی که چی وقت، کجا بره، چی بپوشه و چی، با کی، چی کسای معاشرت داشته باشه، سخت است که یک دختر، به عهده چیز خود بگذاره نی، یک دختر مستقل بگذاره که شوهرش برش تعیین کنه، یا شریک زندگیش، یا خانواده شوهرش حتی، بریش تعیین کنه.

English translation:

Shaharzad: Do these relationships (romantic relationships) sometimes end up in marriage? Have you seen any examples personally?

Zubaida: Yeah, yes, yes. It ends up in marriage, but it is usually not successful. Because it is an emotional decision, right? One person... and then it is also out of severe desperation for a relationship. A marriage can be successful if one person, a man or woman, has relationships with several women (means people), right? One has to have various experiences with various women and one should be familiar. But in Afghanistan, at most, you have one option. You like one person, then you marry them at the end. While that is not enough to determine if one wants to live with somebody in the future and for the rest of his life. I think that relationships should be more extensive, and one should not have only one relationship with one man. One should have various relationships, not necessarily emotional (romantic) relationships, but free relationships, and one should know more people.

Shaharzad: But what would you say about some traditional marriages that are far more successful than marriages based on relationships. Those people (in traditional marriages) did not have more than one option; they did not know many people, but they are happy with their life in a traditional marriage.

Zubaida: They are happy because they don't have high expectations of each other. When one only expects her parents to find a man for her then marry, there is a good chance for that woman not to expect a position, not to pursue activism in society, have a position in society. She won't expect "too much" freedom. She is someone who has been wanted

(and married with). She stays at home, irons the clothes for her husband, prepares food, gives birth to children and takes care of them. And this is precisely what is expected of her. And she is ready for it. For this reason, there are no problems among husband and wife, because both their roles are defined for their life.

Shaharzad: Do you think there is a lack of successful models of married life of intellectuals who both want to be human, both man and women? Don't you think that lack of these models is a serious problem for young women like you who go abroad and study, who want to have a place in society and form a family? But there is nobody whom they can say to their husband or partner, "Look at their life. We can live like that." Isn't this a problem, you think?

Zubaida: This is because... For example, if I want to think about my future, it is never possible for me to come and marry a man in Afghanistan and be able to live with him and be a role model for the other couples. There are a few reasons for this, because if I want to marry, I would want to marry somebody who is close to my age or is same age as me, right? Three, four years of age difference would be okay. But the people my age that I see around me are not exactly the people that I would want to live with one day, because they have never, never grown up. They are growing up in a different world and I am growing up in a different one. And if you don't consider the age difference, things get worse. Because even those who claim to be intellectual, free and know more than others, those are too, in the end frustrated people that... Let me not say the rest of it. (laugh). They are 25 or 30 and still haven't had one relationship with a woman. They don't know anybody, and the whole reason for marriage is a sexual relationship, and I can't exactly...

Shaharzad: And there is the risk that because you are younger, they would want to control you, no? Because they think that they are more experienced, have seen more of the world, traveled more and etc... Exactly, yeah, this could be one of the reasons. And maybe another reason is that it is very difficult for a woman who sees herself differently to play the role of a traditional woman, or leave the decision-making about the time of childbearing to her husband. Let the husband decide when to go where, what to wear, with whom and which kind of people to socialize. It is hard for a woman to leave all those decisions to the thing, for an independent girl to let her husband decide, her partner decide for her, or even her husband's family decide for her.

About CultureTalk: CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use everyday. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.